



## اشاره

حاشیه نشینی پدیده ای است که می تواند جامع همه مفاهیم و اشکال پدیده فقر باشد. در حالی که خود فقر نیست. می تواند در قالب تعاریف بد مسکنی قرار بگیرد، اما منحصر به ویژگی های محدود این پدیده نمی باشد. می تواند خصوصیات اجتماعی یک جامعه نابهنجار را در قالب رفتارهای فردی و گروهی با انبوهی از فشارهای مسلط اقتصادی و اجتماعی داشته باشد، یک جامعه نابهنجار هم نیست. می تواند نوعی قانون شکنی و تصرف عدوانی زمین باشد، اما عین قانون شکنی هم نیست. بلکه حاشیه نشینی را باید پدیده خاص، منحصر بفرد و دارای شناسنامه حیاتی مجزا دانست که برآیندی از همه نابرابری هاست که در جهت دو قطب اقتصادی - اجتماعی شهری و روستایی کشورها و بویژه کشورهای در حال توسعه بوقوع پیوسته، رشد نموده و اثر گذاشته است. نگارنده سعی دارد با رویکرد ساختار طبقاتی ساکنین حاشیه ها به مطالعه موضوع مورد بررسی بپردازد.

## مقدمه

حاشیه ها را به اشکال مختلف می توان مطالعه کرد. از یک دیدگاهی نظام طبقاتی حاشیه ها را به دو طبقه فرودست و فرودست می توان تقسیم نمود، که هر کدام از این طبقات دارای یک قشر حاشیه ای نیز می باشند. خود قشر حاشیه ای هم به دو دسته تقسیم می شود: یکی قشر حاشیه ای درونی و دیگری قشر حاشیه ای بیرونی.

فقر منطقه ای خود دارای تبعاتی است که یکی از این تبعات، بی توجهی ارگان ها به وضع ساکنین حاشیه نشین می باشد و این بی توجهی تنها خاص ارگان امیبتی نیست بلکه شامل تمام ارگان ها می شود. در رابطه با مردم حاشیه نشین، شایع ترین نوع واکنش، واکنشی است که آن را می توان در شکل دیالکتیک طبقاتی تحت عنوان دیالکتیک جبرانی طبقه بندی کرد. با توجه به فشار اقتصادی و روحی که به قشر حاشیه نشین می آید. ساکنین آن اغلب حس شان، یا درکشان کم شده که جامعه شناسان نیز به آن اشاره کرده اند که وقتی درد، رنج و محرومیت زیاد شود، دیگر فرد کمرخت شده و قادر به انجام کاری نیست. لذا دچار عصبان می شود. پس در این مناطق وقتی این عصبان به شکل بغض اجتماعی درمی آید، این بغض می تواند تبدیل به دیالکتیک جبرانی شود یعنی تبدیل به جرم، یا تبدیل به دیالکتیک مفلوج مثل رشوه گیری، اعتیاد، خودکشی و... شده یا تبدیل به دیالکتیک قطبی مثل جنبش ها و عملیات چریکی و انقلابات و... می شود.

# حاشیه نشینی معضل بزهکاری

نادر حاتمی - کارشناس ارشد جامعه شناسی و مدرس دانشگاه / بخش اول

## مفهوم حاشیه نشینی

مفهوم حاشیه نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق میشود که در آن طبقات مسلط اقتصادی، سیاسی بطور منظم و مداوم، گروهها و طبقات تحت نفوذ حاکمیت خود را از برخورداری منابع و منافع و امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می دارند. موانع پیش پا گذارده شده برای جدائی گروه های حاکم و محکوم اقتصادی و سیاسی، نابرابری ها را دائمی کرده و اقشار پایین را به لحاظ اقتصادی - سیاسی و اجتماعی حاشیه ای می کند.

حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و بسوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که بمنظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند.

در برخی از منابع علمی، حاشیه نشینی مفهومی بسیار گسترده و کلی را در بر می گیرد، آنگونه که برخی از جامعه شناسان می گویند؛ حاشیه نشینی مساله و عارضه ای شهری است و منشأ عمده بزهکاری و جرم می باشد که دارای اشکال و انواع مختلفی می باشد و دارای یک الگوی مشخص جهانی نیز می باشد.

افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می کنند، از ساختار قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته و بعنوان گروه اجتماعی پست تلقی می شوند، حاشیه نشینان به نوبه خود با تردید به جهان می نگرند. جهان حاشیه نشینی به لحاظ اجتماعی بُعد منفی دارد. بدین معنا که حاشیه ها از چشم دیگران مناطق پست تلقی می شود.

## حاشیه نشینی و عناوین جایگزین

گسترده‌گی دامنه پدیده حاشیه نشینی در اقصی نقاط جهان و تعداد فرهنگ ها و ادبیات های علمی در جوامع مختلف سبب گردیده است تا اصطلاحات و عناوین مختلفی برای حاشیه نشینی بکار گرفته شود.

این تعداد اسمی را می توان به دو قسمت عناوین آکادمیک و اسامی محاوره ای (محلی) تقسیم نمود:

تعداد عناوین آکادمیک در زمینه پدیده حاشیه نشینی در عین آنکه به طریق مختلف خصوصیات مشترک پدیده فوق را تبیین می نماید، مباحث و مشخصات دیگری از حاشیه نشینی را هم بطور اخص روشن می دارد که عناوین فوق را می توان در قالب رویکردهایی از قبیل مثبت گرایان و مخالفان آنان و دیدگاه های بی طرف در زمینه حاشیه نشینی مورد توجه قرار داد. این اصطلاحات عبارتند از:

- مساکن غیر رسمی
- مساکن افراد کم در آمد
- مساکن نیمه دائمی
- حصیر آبادها
- مساکن خود به خودی

- مساکن برنامه ریزی نشده

- مساکن حاشیه ای

- مساکن خود ساخته

در ایران مساکن حاشیه نشین با توجه به مورفولوژی خود و کیفیات کالبدی اجتماعی‌شان که خود نشأت گرفته از موقعیت جغرافیایی و اوضاع فرهنگی شهرهای مختلف آن است، دارای اسامی متعددی به شرح زیر می باشد: آلونک، زاغه، اطاق، قمیر، گرگین. دیوار کپری، پاشلی، زمین بی حصار و بی پناه، زیر زمین، مقبره، اتاق حلبی و...

## پیشینه تحقیق حاشیه نشینی و بزهکاری

مطالعات و بررسی های انجام شده نشان می دهد که بین میزان بزهکاری و حاشیه نشینی رابطه ای مستقیم وجود دارد. از آنجا که بسیاری از مطالعات علل وقوع و رشد بزهکاری را در نابسامانی و فقر اقتصادی و ناهنجاریهای اجتماعی و گسست های هویتی و فرهنگی تحلیل می کنند، لذا می توان جوانان متعلق به نواحی شهری و بالاخص حاشیه شهری را مستعد بزهکاری و جرم دانست. در مطالعه ای که مایکل بریک تحت عنوان فرهنگ تطبیقی جوانان انجام داده است وضعیت بزهکاری جوانان را در سه کشور، یعنی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و کانادا مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

این محقق با توجه به خاستگاه طبقاتی جوانان بزهکار این گونه نتیجه گیری نموده است که در هر یک از این سه کشور اغلب جوانان متعلق به خانواده های کارگر شهری که عمدتاً از مهاجران سیاه پوست و رنگین پوست آفریقایی و آسیایی تبار هستند از میزان بزهکاری بیشتری برخوردارند. تضاد طبقاتی، تعارض فرهنگی و ارزشی، و طرد اجتماعی و فقر ناشی از نابرابری های اقتصادی، عواملی هستند که موجب بروز رفتارهای بزهکارانه در میان جوانان نواحی حاشیه ای شهری می شوند. این نواحی حاشیه در آمریکا گتو (Geto) نامیده می شود که با قتل و غارت، خشونت، دزدی، فحشا، زورگویی، اعتیاد به مواد مخدر و قانون گریزی همراه است.

همچنین، در گزارشی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ در خصوص وضعیت جوانان در جهان منتشر نموده است این نکته مطرح شده است که نرخ جرائم ثبت شده در جوامع شهری در مقایسه با نواحی روستایی بیشتر است و همچنین در نواحی حاشیه ای و مهاجرنشین شهری نسبت به نواحی مرکزی میزان بزهکاری بیشتر ثبت شده است. بنا به این گزارش تفاوت هایی در خاستگاه اقتصادی، اجتماعی و ارزشی، درجات مختلف پذیرفتنی بودن برخی اعمال در خرده فرهنگ های مختلف قومی، منجر به تعارض های فرهنگی می شود که یکی از منابع اصلی رفتار مجرمانه هستند. معمولاً جمعیت بومی شهرنشینی مهاجران را که اغلب حاشیه نشین هستند به عنوان مجرمان آشکار معرفی می کنند.

برای مثال در آلمان، جوانان غیرآلمانی نسبت به جوانان

ضروری به نظر می رسد.

## توجهات و اقدامات سازمانها و مجامع مربوط به جوانان و بزهکاری

امروزه مسئله ارتباط مستقیم بین بزهکاری و حاشیه نشینی در نزد تمامی سازمان های متولی امور جوانان کشورهای مختلف و همچنین در نزد مجامع بین المللی به عنوان یک واقعیت به رسمیت شناخته شده است. آمار و ارقام نشان می دهد که تمامی کشورهای جهان اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته با این مسئله مواجهند، لیکن میزان شدت و ضعف این مسئله با توجه به وضعیت و شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور متفاوت است. بر اساس این واقعیت ها شاهد هستیم که اکثر سازمان های متولی امور جوانان سایر کشورهای جهان که اغلب با دو رویکرد توسعه ای و آسیب شناسی مسائل جوانان را در دستور کار قرار داده اند، مسئله بزهکاری و جرائم جوانان را نیز به عنوان یکی از حوزه های اولویت دار امور جوانان، در تدوین و اجرای سیاست ها و برنامه های خود لحاظ نموده اند.

آلمانی بیشتر به عنوان مرتکبان خشونت گزارش می شوند. در همین گزارش طرد جوانان حاشیه ای از جامعه و برجسب منحرف زدن به این گروه از افراد یکی دیگر از عواملی دانسته شده که منجر به خود پذیری تصویر بزهکارانه و متعاقباً ارتکاب رفتارهایی بزهکارانه مانند الکلیسم، خشونت و تروریسم، فحشا، اعتیاد و سرقت میشود.

از جمله تحقیقاتی که زمینه اثر حاشیه نشینی بر میزان جرم و جنایت انجام گرفته می توان به تحقیقات مکتب شیکاگو بویژه مدل «دوایر متحد مرکز ارنست برگس» اشاره کرد.

در مدل «دوایر متحد مرکز» خود شهر شیکاگو را به ۵ دایره تقسیم کرد که هر کدام کارکرد خاصی داشتند برگس از دایره دوم بعنوان «منطقه در حال تحول» یاد میکرد که مشخصه اصلی آن «جرم و جنایت زیاد» بود. این دایره در اطراف بازار و بافت قدیم شهر شیکاگو قرار داشت، که محل تجمع مهاجران و اقشار کم درآمد بود.

در بررسی علل وقوع جرم و جنایت در منطقه در حال تحول، که در حقیقت حاشیه نشین محسوب می شوند، سی شاو و هنری مکی در تحقیقات میدانی خود به این

نتیجه رسیده اند که مشکلات اجتماعی شهر شیکاگو به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد مناطق حاشیه نشین است که اهالی این منطقه از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده اند. ساکنان این مناطق به اجبار در کنار هم قرار گرفته اند و دارای همزیستی بیمارگونه هستند. این مناطق در واقع از سایر نقاط شهر جدا افتاده، و به حاشیه ها رانده شده اند و معیارهای رفتاری هنجارهای دیگری در آن شکل گرفته است که با فرهنگ مسلط دیگر مناطق شهر در تضاد است.

در این مناطق گرایش های فرهنگی خاصی استقرار یافته است. بطوریکه افراد مرتباً در معرض یادگیری های الگوهای موافق قانون شکنی هستند.

بنابراین تمرکز جنایت در

این مناطق ناشی از بی سازمانی اجتماعی که نشانگر عدم هماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی است. با توجه به تحقیقات نگارنده در سال ۱۳۸۰ در کلانشهر تهران درباره ویژگی های منطقه در حال تحول تهران، اعتبار نظریه برگس پس از ۸۰ سال تایید شد و تقریباً همان مسائل شهر شیکاگو در کلانشهر تهران مشاهده گردید.

بنابراین، انجام مطالعات و تحقیقات عمیق در خصوص رابطه متقابل بین بزهکاری و جرم با حاشیه نشینی شهری



این وحدت رویه در توجه به مسئله بزهکاری و حاشیه نشینی جوانان در میان کشورهای مختلف جهان در اجماع بین المللی که با حضور نمایندگان دولت های مختلف در رویدادها و محافل بین المللی صورت گرفته است نیز کاملاً مشهود است.

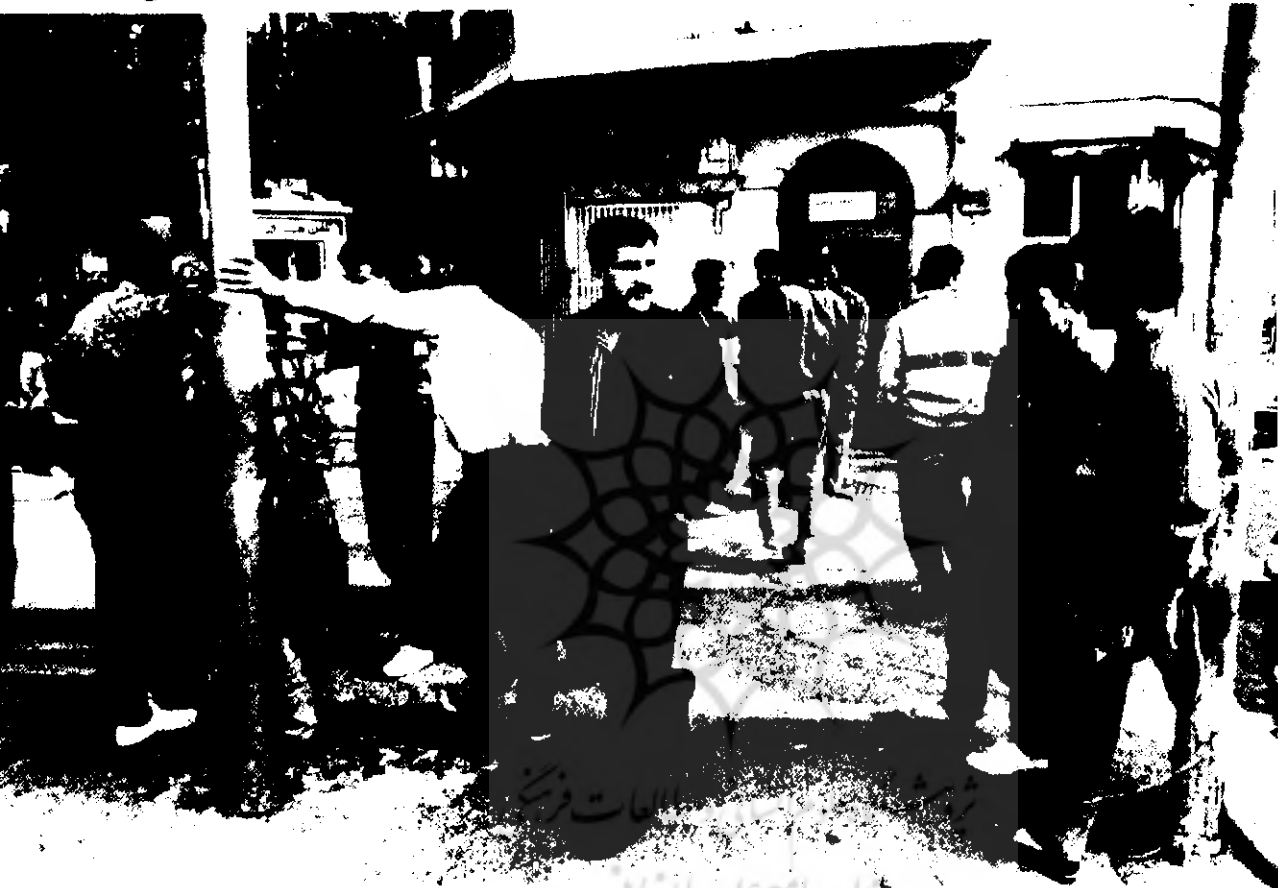
رابطه متقابل حاشیه نشینی و بزهکاری جوانان در مهمترین سند بین المللی قرن بیستم تحت عنوان برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن که ضمیمه قطعنامه (A/RES/50/81) مصوب پنجاهمین

اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد می باشد، بدین شکل تصریح شده است:

«... ۸۶ - جرم و بزهکاری جوانان در جهان مشکلی جدی به شمار می رود. شدت و وخامت این مشکل به وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور بستگی دارد. شواهدی وجود دارد که حاکی از افزایش تبهکاری نوجوانان در سطح جهان، همراه با رکود اقتصادی، به ویژه در بخش های حاشیه ای مسکن شهری است... بنابراین، رویکردهای ارائه شده برای پیشگیری از جرم و خشونت باید به جای اتکای صرف به دادگاه های جنایی، اقدامات

استفاده و همچنین درگیر شدن در رفتار جنایی و دیگر رفتارهای انحرافی قرار می دهد.»

همچنین در سایر اسناد بین المللی مربوط به جوانان مانند اعلامیه براگا، مصوب سومین همایش جهانی جوانان نظام ملل متحد (آگوست ۱۹۹۸، براگا، پرتغال)، اعلامیه لیسبون در خصوص سیاست ها و برنامه های جوانان مصوب اولین کنفرانس جهانی وزرای مسئول امور جوانان (۱۲-۸ آگوست ۱۹۹۸، لیسبون، پرتغال) و استراتژی داکار در خصوص توانمندسازی جوانان (۱۰-۶ آگوست ۲۰۰۱، داکار، سنگال) مسئله جوانان حاشیه ای در مباحث مختلفی



شال جامع علوم انسانی

مانند آموزش، فقرزدایی، بهداشت، مشارکت و مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

### حاشیه نشینی و فقر

فقر یکی از عوامل مهم انواع انحرافات، از جمله دزدی و سرقت، انحرافات جنسی، قتل و ...، بویژه در میان کودکان و نوجوانان است. فقر بی گمان بوجود آورنده سختی ها و ناملایماتی است که اگر نتوان با آن مبارزه کرد، خواه ناخواه انسان را به زانو درآورده و وادار به ارتکاب جرم می کند. بیشتر محرومیت ها که ناشی از برآورده نشدن تمایلات از موجب بوجود آمدن عدم اطمینان اجتماعی می شود، که ریشه در پدیده فقر دارد و نمی توان آن را نادیده گرفت. بیکاری، کمبود مواد غذایی و پوشاک، بی سواد و عقب ماندگی، جهل و خرافات و عدم بهداشت کافی و انواع

حمایتی از عدالت و برابری، مبارزه با فقر و کاستن از ناامیدی در میان جوانان را نیز در بر می گیرند. ... ۸۸ - دولت ها باید به موضوعات و مشکلات مربوط به بزهکاری نوجوانان و تبهکاری جوانان با عنایت خاص به سیاست ها و برنامه های پیشگیرانه، اولویت دهند. باید فرصت های اقتصادی، اجتماعی و اداری مناسبی در اختیار مناطق روستایی قرار گیرد تا جوانان را از مهاجرت به مناطق شهری باز دارد. باید برنامه های مناسب آموزشی، تفریحی و اشتغال به ویژه در دوران تعطیلی طولانی مدت مدارس در اختیار جوانان ساکن در مناطق فقیر شهری قرار گیرد.

... ۹۰ - فقر و تنگدستی، شرایط نامناسب زندگی، آموزش ناکافی، سوء تغذیه، بی سواد، بیکاری و فقدان فعالیت های اوقات فراغت عواملی هستند که جوانان را حاشیه ای ساخته و شماری از آنها را در معرض خطر سوء

بیماریه ای روحی و جسمی و حتی در سطح جهانی، جنگها و خونریزی ها، ریشه در نیازهای مادی و ترس از فقر دارد. بیکاری، ولگردی، گدایی و تکدی گری که ناشی از فقر خانواده هاست از عوامل مؤثر در انحراف و گرایش به بزهکاری و مانند آن است. که همه شاخص های عنوان شده در بالا در مناطق حاشیه نشین وجود دارد، چرا که اکثر مردم این نواحی در فقر به سر می برند. در مناطق حاشیه نشین با توجه به فقر جمعیت، فقر فرصت تحصیل و مطالعه، کار و رشد استعدادها را از خانواده های بی بضاعت و فقیر می گیرد و موجب اختلاف در سطح درآمد و فرهنگ می شود که از علل پریشانی خانواده ها و بزهکاری در فرزندان می باشد.

فقدان مسکن مناسب، زندگی در زاغه ها یا اتاق های مخروبه و کثیف، سوء تغذیه و بهداشت. ناکافی که با فقر ارتباط دارند، از عوامل مهم بزهکاری به شمار می آید. در ایران نیز گسترش سکونت گاه های غیر رسمی و فقر و نابرابری و بدنبال آن پیدایش جرم و بزهکاری از جمله

### فقدان مسکن مناسب

#### زندگی در زاغه ها

#### یا اتاق های مخروبه

#### و کثیف، سوء تغذیه و

#### بهداشت ناکافی که با فقر

#### ارتباط دارند، از عوامل

#### مهم بزهکاری

#### به شمار می آید

مباحث اساسی است که مسئولان و برنامه ریزان را نگران ساخته و به فکر فرو برده است.

معمولاً گروه های فقیر و کم درآمد برای گریز از هزینه های مسکن و زندگی به سکونت گاه های غیر رسمی پناه می برند که امکان ایجاد یک سرپناه با قیمت نازلتری از مسکن رسمی وجود داشته باشد. و چون در این نواحی کنترل و نظارت اجتماعی خیلی ضعیف است، بروز انحرافات اجتماعی و جرم اجتناب ناپذیر خواهد بود. مثل قضیه پاکدشت که در قسمتی از نواحی حاشیه نشین تهران اتفاق افتاد که عامل اصلی چنین رویدادهایی عدم کنترل و نظارت صحیح می باشد و بستر ارتکاب جرم در این مناطق به مراتب آماده تر است. چرا که حاشیه ها مناطقی جرم زا می باشند و محل امنی برای کسانی است که به رفتارهای ضد اجتماعی بپردازند.

از طرف دیگر ممکن است بین فقر و جرم رابطه مستقیمی برقرار باشد، چنانچه افراد فقیر در مقابل افراد غنی قرار بگیرند، این تفاوت فاحش باعث می شود که برخی از افراد کم درآمد برای اینکه بتوانند مانند افراد ثروتمند از زندگی خوبی برخوردار شوند، دست به جرم و جنایت بزنند. در مواردی هم دیده شده که جرایم بزرگی

مثل قتل عمد به خاطر به دست آوردن ثروت باشد که این عامل ناشی از فقر اقتصادی است.

بنا به گفته افلاطون این همان حسد است که در فرد تشدید شده و مرتکب چنین عملی می شود. البته در مواردی هم شخص با آنکه دچار فقر نیست و از طبقات کم درآمد هم محسوب نمی شود باز هم برای به دست آوردن ثروت مرتکب جرم و جنایت می شود که این امر هم خود مبحثی جدا می طلبد شاید بتوان گفت که در چنین مواردی حرص زیاد خواهی افراد است که آنان را وادار می کند تا مرتکب جرم شوند نه فقر آنان.

پس اختلاف طبقاتی که بین افراد یک جامعه وجود دارد و تفاوتی که بین فقیر و غنی است، خود از عمده عامل هایی است که اشخاص طبقه پایین را بر می انگیزد تا مرتکب جرم شوند. بطور کلی می توان گفت که فقر اقتصادی هم یکی از عامل هایی است که ممکن است باعث بزهکاری در افراد شود و همچنین حتی افراد را به سوی بزهکاری سوق دهد. ولی هیچگاه نمی شود گفت افرادی که فقیر هستند حتماً بزهکار هم هستند. ممکن است در بزهکاری برخی مجرمان علاوه بر اوضاع خاص اقتصادی و اجتماعی، زمان و مکان نیز مؤثر بوده و به واسطه همین عوامل افراد به سمت رفتارهای ضد اجتماعی سوق دهد.

همانطور که اشاره گردید فقر اقتصادی یکی از عوامل اصلی بزهکاری می باشد که می توان گفت چون چنین افرادی از طرق عادی و قانونی نمی توانند خواسته های خود را به دست آورند با توسل به زور یا راه های غیر قانونی می خواهند به خواسته هایشان برسند، در نتیجه به سوی بزهکاری روی آورده و مرتکب جرم و جنایت می شوند.

دکتر «جی- ال- برن» در زمینه رابطه فقر و بحران اقتصادی و در نهایت علت های بزهکاری چنین بیان میکند:

۱- بالاترین نسبت بزهکاران در میان خانواده هایی وجود دارد که پدرانشان فاقد مهارت و تخصص بوده یا اینکه در خانواده هایشان بیکاری حکمفرماست.

۲- وضع خانه کسانی که مورد بازدید مدد کاران اجتماعی قرار گرفته اند، بسیار بد تشخیص داده شده و میزان بزهکاری در میان آنان بسیار بالا بوده است.

۳- در نقاطی که افزایش جمعیت زیاد بوده است، میزان بزهکاری نیز بیش از سایر نقاط می باشد.

۴- تغذیه ناقص و کمبود مواد غذایی در وضع رشد بدنی افراد بی تاثیر نبوده و در بزهکاری آنان تاثیر فراوانی داشته است.

با توجه به نظریه دکتر جی- ال- برن می توان گفت ساخت اقتصادی در زندگی یک اجتماع تاثیر دارد و یا به بیان صحیح تر و شیواتر: رژیم سرمایه داری منشا بروز جرایم است و ارتکاب جرم واکنشی است بر ضد بیدادگری اجتماعی.

ادامه دارد...